

از هنر نیز دایر کردم و آنجا هم دقیقاً دغدغه من حس هنری ام بود و این خود هنر و ویژگی‌هایش است که برای من در مرتبه نخست اهمیت قرار دارد. عمیقاً دوست داشتم به آن ورطه از هنر گام بگذارم که ارتباطی با گیشه نداشته باشد و به نظر من این فرم متفاوتی از هنر محسوب می‌شود. در فیلم «داستان سیاوش» نیز همین نفس هنر بود که برای من معنا و مفهوم داشت و هدف اصلی بود.

**انگار شما خیلی از فروش فیلم «داستان سیاوش» ناامید هستید! به هر حال با وجود صحبت‌هایی که درباره آن شده و همین که به داستان بسیار معروف و ارزشمند و شناخته شده «بوف کور» صادق هدایت پهلو می‌زند، به نظر می‌رسد فیلم شما دست کم مخاطب اصلی خود را جذب می‌کند. شاید در جمع فیلم‌های نخبه‌گرا اتفاقاً کار موفق‌تری هم باشد. این را قبول دارید؟**

نه اصلاً بحث ناامیدی نیست. باور کنید تا امروز اصلاً من در جریان فروش فیلم نبودم اما زمانی که صحبت از هدف و اولویت‌بندی و دغدغه‌های کارگردان به میان می‌آید، من دوست دارم مخاطبان عام سینما با فیلم‌های متفاوت ارتباط برقرار کنند. برای نیل به این منظور هم باید فیلم‌هایی با فرم و موضوع متفاوت حمایت شوند. متأسفانه همانطور که می‌دانید فیلم‌های پرفروش سینمای ایران مدت‌هاست به ژانر کم‌دی محدود می‌شوند. البته هر ژانری مصائب خود را دارد و همه ژانرها هم برای ما قابل احترامند اما علاقه من ساخت فیلم‌هایی متفاوت بوده و همواره دوست داشتم به گونه‌ای دیگر از هنر بپردازم.

**فیلم جدیدی در دست تولید دارید؟ یا فیلم‌نامه تازه‌ای هست که روی آن مطالعه کنید و به زودی کار روی آن را آغاز کنید؟**

متأسفانه در این چند سال که فیلم «داستان سیاوش» اکران نشد، نتوانستم فکرم را روی کار دیگری متمرکز کنم و پروژه ساخت اثر دیگری را آغاز کنم اما طی چند ماه گذشته چند فیلم‌نامه را مطالعه کرده‌ام که به احتمال بسیار زیاد طی این روزها یا طی ماه‌های آینده کار روی یکی از آن‌ها را آغاز خواهیم کرد.

**ماجرای اکران نشدن «داستان سیاوش» هم در نوع خودش جالب توجه بود! مگر این فیلم چه مشکلی داشت که باید سال‌ها از پرده سینما دور می‌ماند و پس از چند سال (حدود ۵ سال بعد از پایان مراحل تولیدی «داستان سیاوش») با اکران آن موافقت می‌شد؟ البته که ما کمی در جریان چند و چون این ماجرا هستیم اما اگر ممکن است لطفاً برای خوانندگان این شماره روزنامه صبا به تشریح اتفاقاتی که افتاد بپردازید.**

ببینید از بدو ساخت فیلم و حتی پیش از تولید آن من دوست داشتم این اثر برای گروه سینمایی هنر و تجربه اکران شود. متأسفانه پس از تولید «داستان سیاوش» این فیلم با بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌های متعددی روبرو شد. البته این موضوع مربوط به زمانی بود که کادر سابق این گروه سینمایی در هنر و تجربه به فعالیت می‌پرداختند. آن‌ها پس از بازبینی فیلم روی برخی نکات دست گذاشتند و برای نمونه می‌گفتند، فلان جا نباید اینطور باشد و بهمان جا باید به این ترتیب می‌شد و ... پس از اینکه با چنین بی‌مهری‌هایی روبرو شدم، راستش را بخواهید اصلاً قید نمایش کارم را در هنر و تجربه زدم و دیگر پیگیری هم نکردم.

**تا اینکه کادر فعال گروه هنر و تجربه تغییر کرد و ...**

بله دقیقاً. بعد از تغییر و تحولاتی که در این کادر صورت گرفت، خود عزیزان با من تماس گرفتند و به من گفتند اکران فیلم «داستان سیاوش» در دستور کار هنر و تجربه قرار گرفته است و خوشبختانه حالا هم که مدتی است اکران این فیلم آغاز شده است. امیدوارم به آنچه مدنظرمان بود از تولید و اکران عمومی این فیلم دست پیدا کنیم.

**انگار دلتان از بی‌مهری‌هایی که در حق «داستان سیاوش» شد خیلی پر است! به یقین هر سینماگری وقتی فیلمش سال‌ها مغفول می‌ماند دلشکسته و غمگین خواهد شد. اما به عنوان آخرین پرسش واقعاً چرا فیلمی با چنین محتوایی باید با کم‌توجهی مواجه شود؟**

من به عنوان شخصی که به هنر می‌پردازد همیشه بر این باور بودم که گروه هنر و تجربه نباید جایگاه فیلم‌هایی باشد که ذائقه عموم مخاطبان در تولید آن‌ها دخیل بوده است. ببینید سینماگر، تهیه‌کننده، اسپانسر و ... حق دارند نگران فروش فیلم باشند و در وهله اول بازگشت سرمایه را در نظر بگیرند، شکی در این نیست ولی جنس برخی فیلم‌ها به گونه دیگری است. فیلم‌هایی هم وجود دارند که بازگشت سرمایه را سرلوحه کار تولید خود قرار ندادند و جایی مثل گروه هنر و تجربه باید از این دست فیلم‌ها و از این نوع سینماگران حمایت بکنند. البته این حمایت‌ها با تغییر و تحولاتی که در گروه هنر و تجربه رخ داد اتفاق افتاده است و از این حیث می‌توان ابراز خشنودی کرد.

**و حرف آخر امیر اسکندری در پستی روزهای سال ۱۴۰۱ خورشیدی؟**

عرضی نیست. امیدوارم سال بسیار خوبی پیش روی سینما و سینماگران ایرانی قرار داشته باشد و برای همه مردم عزیز سرزمین‌مان آرزوی تندرستی می‌کنم.

**سختی را پشت سر گذاشتید. درباره این مراحل هم توضیح می‌فرمایید؟**

البته اینکه «داستان سیاوش» مدت‌ها مغفول ماند ماجرای دیگری دارد اما درباره پروژه تولید، اتفاقاً حدود یک سال پس از مطالعه فیلم‌نامه مراحل تولید را سپری کردیم و حدود ۳ تا ۴ ماه نیز پیش تولید طول کشید. اگر بخواهم تقریبی به شما بگویم، باید اذعان کنم از آبان ۱۳۹۵ تا خرداد ۱۳۹۶ مراحل تولید و پیش تولید این فیلم زمان برد.

**گمان می‌کنم حامی مالی خاصی هم نداشتید برای ساخت «داستان سیاوش» در سرهای مالی آزارتان نداد؟**

همینطور است. از آنجا که خودم سرمایه‌گذاری این فیلم بودم و با هزینه شخصی این فیلم را ساختم، مطمئن بودم این کار بازگشت سرمایه ندارد! اما شخصاً علاقه بسیار زیادی به سینمای مستقل دارم. دوست داشتم در این کار دغدغه مالی نباشد و فکرم سمت بازگشت سرمایه و درآمدزایی نرود. هدفم این بود کاری بسازم که برای عموم قابل لمس باشد و مخاطب بتواند با آن ارتباط برقرار کند. اینجا نفس هنر برای من مهم بود. از آنجا که مجسمه‌ساز هم هستم، چند نمایشگاه در این حوزه

**اگر بخواهیم نگاهی کلی به سینمای ایران بیاندازیم، به نظر مقوله اقتباس تا اینجا نتوانسته جایگاه خود را آنطور که شایسته ادبیات داستانی و سینمای ایران است، در ساخته‌های اغلب فیلم‌سازان ایرانی پیدا کند. شما این موضوع و این فقدان را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

به یقین جای اقتباس در سینمای ایران بسیار خالی است. ما از فیلم «بزرگراه گمشده» ساخته دیوید لینچ صحبت کردیم اما اجازه دهید راه دور برویم و همانطور که فرمودید به ادبیات کهن و معاصر خودمان بپردازیم. اینکه فیلم‌سازی بخواهد ماجرا، حکایت، روایت، داستان، افسانه یا قالب‌های گوناگون روایی موجود در ادبیات غنی فارسی را به تصویر بکشد و در قالب فیلم روی پرده نقره‌ای به نمایش درآورد، با توجه به گنجینه‌های ادب پارسی، نه تنها کاری نشدنی نیست، بلکه ظرفیت بسیار بالایی نیز دارد و ما می‌توانیم از این معادن و ثروت‌های هنگفت بالقوه در ادبیات پارسی، در رونق آثار سینمایی برداشت‌های گوناگون انجام دهیم.

**کار شما مدتی اکران نشد و به نظر مراحل تولید و پیش تولید**

